

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میاد
پدین بوم و پر زنده یک تن مباد
همه سر به سرت تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

مشعل درد

برکت ، تازه گلی ، داده به آب برکت
شهر دل ، یکسره بنموده خراب برکت
زانکه با قافیه و ، وزن و ، ردیف و ، سیلاپ
محشری کرده به پا ، نفر جواب برکت
خویش را دیده در آئینه تدبیر ، مرا
وصف بنموده ، به رنگ و به زکاب برکت
من که یک ذره ناچیز و ، او ، بحر سخا
این گدا ، از کرمش ، غرق ثواب برکت
پرسشم شد ز جوابش چو معماي دگر
شکوه ناکرده چرا ؟ ثبت کتاب برکت
لیک در پاسخ شان ، راز نهان میبینم
شور لیلا ، سر مجnoon ، حساب برکت
ضربه تیشه فرهاد ، نداند خسرو
سوق شیرین به دل افتاد ، ز خواب برکت
دامن یوسف بیچاره ، دریدن دارد
تهمتی بسته زلیخا ، به قطاب برکت
بلبلان را چه خوشست ، نغمه سرایی به چمن

نرگس و ، نسترن و ، یاس و ، گلاب برکت

شمع در ماتم پروانه ، به تن می دوزد

جامه از اشک وفا ، باتب و تاب برکت

مشعل دردم و ، از شعله بی باک نفس

جگرم ، پاره و خونین و کباب برکت

برگ خشکیده پانیزم و ، دُورم ز چمن

کرده شاداب مرا ، چنگ و رباب برکت

دست گلچین فلک ، گرچه مرا پرپر کرد

غنچه تازه ام از لطف سحاب برکت

حال ، از مطلب اصلی ، سخنی میرانم

گر پسند افتاد و ، گردد به مُجاب برکت

به پس پرده اگر نیست خبر های دگر

ز چه بر نام (خلیل) است نقاب برکت

یکی (مسعودی) و دیگر شده گر (معروفی)

وای ، زان دم که شود خرق حجاب برکت

کرده منع که دگرفاش نسازم رازش

ورنه با (لندی) جانانه ، جناب برکت

حکم تکفیر کند صادر و ، بر گردن من

حلقه دار شود خام ، طناب برکت

«نعمتا» هرچه دهد دوست ، غنیمت میدان

لعن و طعن و عسل و زهر و شراب برکت